

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملالی موسی نظام
نهم دسمبر ۲۰۰۸

معضله برق کابل و تاریک ترین پایتخت جهان

درین شب و روز باز هم معضله برق کابل، پایتخت افغانستان، خیرمهم در تلویزیون ها و نشرات افغانی و سر زبان هاست. گرچه هرگز موضوع بی برقی کابل، که بدون شك دارای ارزش حیاتی برای اهالی محروم و بی صلاحیت پایتخت میباشد، نمیتواند يك موضوع روزانه غیرمهم محسوب گردد، ولی هفت سال بعد از شکست طالبان و سرازیر شدن ملیارد ها دالر كمك از ممالك جهان برای صلح و بازسازی «؟!» هنوز که هنوز است وعده های وزیر صاحب انرژی و برق در تأمین برق شهر کابل، این تاریک ترین پایتخت جهان، جامه عمل نپوشیده است. بنا بر استناد بر اخبار تلویزیون «آریانای» کابل، موضوعات پراکنده و خیلی مهمی درین چند ماه اخیر به ارتباط به معضله دایمی پروژه ناکام برق پایتخت به وقوع پیوسته است که به قسمتی از آن نظری می اندازیم:

موضوع اول اینست که در حدود يك و نیم ماه قبل خبری مبنی بر ایجاد جریان برق سرتاسری کابل از منبع وزارت انرژی و برق افغانستان از طریق تلویزیون آریانا منشر گردید که گویا وزارت مذکور در ماه جدی سال جاری مطابق به جنوری سال ۲۰۰۹ میلادی اعلام نموده است. تبصره خبر نگار تلویزیون آریانا در مورد خبر این بود که گویا از یکطرف ازین وعده ها سال های سال از جانب وزارت انرژی و برق برای کابلیان، بدون کدام نتیجه ای داده شده است و از جانب دیگر، وی استدلال منطقی مینمود که به اساس کدام پروژه تکمیل شده و به پایان رسیده چنین وعده ای امکان پذیر میگردد؟! حال دیده شود که اواسط جدی امسال در شهر تاریک کابل چه معجزه ای بوقوع خواهد پیوست!!

موضوع دوم درین زمینه شکایت و اعتراض فابریکه در آن منطقه صنعتی شهر کابل بود که آنها به حیث يك کتله مهم و فعال در اقتصاد ویران مملکت، در يك گردهم آنی بسیار جدی که باز هم از همین تلویزیون آریانای کابل منتشر گردید، صدای اعتراضات را بر نبودن برق و وفا نکردن وعده های متعدد وزارت مربوطه و وزیر آن، بلند نمودند. این گروپ فعال که صاحبان صنایع مملکت را تشکیل میدهد، ادعا داشتند که نظر به وعده های فریبده وزارت انرژی و برق، فابریکه های زیادی در منطقه صنعتی شهر کابل بپا ایستاده و در حدود هفتاد هزار کارگر و مامور در پروژه های عام المنفعه آن استخدام گردیده اند. صاحبان صنایع در شکایات خود تصریح نمودند که در اثر کمبود برق، نه تنها ملیون ها دالر سرمایه آنان که برای باز سازی مملکت و كمك به مردم، بکار انداخته شده است از بین رفته، بلکه در حدود ۱۲۰ فابریکه اجباراً مسدود گردیده است و خطر اخراج کارگران آن البته متوجه وضع رقت بار فامیل های بی بضاعت شان گردیده است.

موضوع سوم هم به اخبار تلویزیون آقای بیات، آریانای کابل مربوط میگردد که خبر نگار در کنج و کنار پایتخت از مردم عام میپرسد که از دولت در روزهای عید قربان چه خواهشی «؟!» دارند؟ بلا استثناء همه درخواست موجودیت برق را در روزهای عید مینمایند! خبرنگار بعد از ختم پرسش ها از مردم به سراغ اولیای امور وزارت انرژی و برق میرود که البته دست کوتاه وی به جناب وزیر صاحب نمیرسد و از شخصی بنام آقای «سرور صدیقی» در مورد تقاضای «مردم» شهر کابل و آرزوی آنها سؤال مینماید، نامبرده میگوید که اگر برای اهالی پایتخت در روز های عید قربان برق بدهد، باید چهل روز شهر را در تاریکی مطلق فرو ببرد!! آقای صدیقی هم چنان اظهار نمود که «علت کمبود برق «؟!» در پایتخت افغانستان از یکطرف کمبود آب در بند «نغلو» بوده و از جانب دیگر نبودن مواد سوخت برای جنریتز ها میباشد!

در مملکتی که با اینهمه کمک های بی دریغ بین المللی و متخصصین و انجیران داخلی و خارجی، بعد از هفت سال هنوز پایتخت آن تاریک و مردم در بهار و زمستان یخبندان به قلت برق مبتلا و گرفتار باشند، باید به وزارت انرژی و برق آن يك مدال افتخار و لیاقت و کار دانی اعطاء نمود!

شنیده میشود که جناب وزیر صاحب را نظر برین است که فروختن شمع از نگاه اعتقادات اسلامی «!» گناه بوده و مردم باید وسیله دیگری «!» را برای رفع احتیاج در خانه های تاریک بکار برند !!

مضمونی را که این قلم در نومبر سال ۲۰۰۶ به قید تحریر در آورده بود و بعد از دو سال وعده های فریبنده، متاسفانه چون همان آش و همان کاسه با مشکلات جدید در مورد قضیه برق « پایتخت » صدق مینماید، خدمت خوانندگان محترم تقدیم مینمایم. البته که محترم « نصیر فیاض » نطق ملی و حقیقت گوی که در سابق صدای مردم را از طریق همین تلویزیون به گوش جهانیان میرسانید دیگر نمیتواند که از مشکلات درد ناک جامعه ویران افغانی با ما و شما حرف بزند.

ملالی موسی نظام
نومبر، ۲۰۰۶

از قلب مردم هرات تا قلب مردم کابل پایتخت تاریک و داستان يك امیر

در عصری که جوامع بشری در مسیر دیموکراسی و حکومت مردمی و مساوات به این باور میگرانند که افراد يك مملکت همانطور که در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی میباشند، کدام تفاوت طبقاتی را جامعه برای آنان نباید قائل گردد. ولی دیده میشود که هنوز هم القاب نامفهوم و بیجا در مقابل اسمای بعضی از مامورین دولت در افغانستان تجلی مینماید که یکی هم همین لقب "امیر" میباشد که وقتاً فوقتاً بمقابل نام اسماعیل خان یکی از قوماندانان سابق ولایت هرات بروز مینماید. این لقب که در تاریخ همواره برای رؤسای دول و خلفای اسلام معمول بوده است، از طرف گروهی معلوم الحال، بی دلیل بمقابل نام یکی از باشندگان وطن ما قرار میگیرد.

اسماعیل خان در زمان تسلط شوروی به حیث مبارز در جبهات جنگ با قوای متجاوز، به نام و شهرت نیکی رسید، ولی بعد از اخراج قوای سرخ از مملکت، رقابت ها برای تسلط بر قدرت، سبب توطئه های چندی از جانب مسعود بر اسماعیل خان گردید که سبب شد که وی در انتظار مثل رهبران تنظیم های جهادی منفور و محکوم به جاه طلبی و قتل عام پایتخت نگردد.

به همه معلوم میباشد که بعد از اشغال شهر کابل توسط گروپ های تنظیمی و تقسیم قدرت بین ربانی بحیث رئیس جمهور، مسعود بحیث وزیر دفاع و گلبدین حکمتیار بحیث صدراعظم، همانطوری که دیده شد بزودی ممکن، با مسابقات تسخیراتی و جنگ قدرت بین آنان، در عرصه بیشتر از چهار سال پایتخت به ماتم سرای خونینی تبدیل گشته و با تلفات بیشتر از شصت و پنج هزار همشهری مظلوم و بی دفاع، شهر زیبای کابل از بنیاد ویران گردید.

از طرف دیگر قسمت غرب افغانستان که همیشه مورد نظر ایرانیان بوده و تلاش برای بدست آوردن آن مناطق هدف والای رژیم آخوندی را احتوا مینماید، درین دوره تاریک و غم انگیز ملت افغان و بربادی مملکت به سرنوشت دیگری مواجه میگردد.

ایرانیان با موجودیت اسماعیل خان، کمک به مسعود و خریدن بزرگان حزب وحدت، گویا خواب های خوش الحاق هرات و مناطق شیعه نشین افغانستان را با فعالیتهای جاسوسان از قبیل "چنگیز پهلوان" و مصارف هنگفت درین راه، حتمی و ممکن میدانستند. گرچه فعالیت و همکاری اسماعیل خان با ایرانی ها هنوز در لفافه صورت می گرفت و حوادث ناگوار و متداوم پایتخت آنقدر رقت بار بود که مجالی بر توجه به آنچه در غرب مملکت جنگ زده و ویران میگذاشت، باقی نمیکذاشت، ولی باز هم ایرانیان با مصارف گزاف و تخدیر و گرایش تعداد زیادی از سران منطقه به طرفداری از رژیم آخوندی، موفق و کامیاب گردیدند.

با ورود طالبان که احمد شاه مسعود قوای آنانرا صرف هفت هزار تخمین مینمود، گروپ بسر قدرت ائتلاف شمال بدون مقاومت و دفاع از مردم مظلوم و پایتخت ویرانه، با عقب نشینی مسخره ای اقدام به فرار نمودند.

چندی بعد اسماعیل خان بدست طالبان اسیر و در زندان قندهار به زنجیر کشیده شد، بروز این خبر در حلقه های مهاجرین افغان تاتر و تالم زیادی را سبب گردید. در مساجد برای عمر و آزادی یگانه قهرمان ملی که میتوانست برای آینده مملکت به او امید بست، مجالس دعای خیر دایر گردید. ولی دیری نگذشت که اسماعیل خان بصورت

مرموزی که تابحال چگونگی آن بر ملت افغان کاملاً مستور می‌باشد، از زندان و زنجیر طالبان سفاک به یکی از قصور آخوند های ایران انتقال یافت.... ز قعر چاه برآمد، به اوج جاه رسید! اما به چه وسیله و بکدام قیمت؟؟ واضح و مبرهن است که دولت عقب گرای آخوند های ایران نیز مانند دیگر همسایگان خائن مملکت برای پیشبرد مقاصد استعماری جدید و برای تضعیف وحدت ملی در صدد تخریب روحیه اقوام شریف افغان و تفرقه اندازی دائمی بوده، در اغواء و نفوذ بر قدرتمندان تنظیم های جهادی، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، برای پیشبرد مرام خود ها موفق و کامیاب می‌باشد.

بعد از اینکه دروازه های افغانستان طالبی به اثر مداخله نظامی اضلاع متحده امریکا باز گردید، اسماعیل خان هم با آخوند های ایران عجالتاً خداحافظی نمود و با نصب لقب امیر بمقابل اسم خویش، عازم هرات گردید. امیر اسماعیل خان جدید تحت تاثیر جمال همنشین میزبانان ایرانی، همانی گردید که دیدیم و می بینیم. در زمان ولایت هرات اولتر از همه حق زن افغان از بسیاری جهات پامال گردید، حکم پوشیدن چادر نماز ایرانی بر زن و دختر آزاد منش افغان صادر گردید.... رفت و آمد طبقه اناث در هرات تا جایی محدود گردید که برای جاسوسی زنان، شاگرد های ذکور مکاتب در کوچه و بازار به تعقیب آنان گماشته شدند. کوچکترین سوء ظن بر زن شریف هرات او را اجباراً به چنگ داکتران از خدا بیخبر برای معاینات به کلینیک ها سوق میداد. درین زمینه راپور های زیادی از کمیته های حقوق بشر در دست است که حکومت کابل و مؤسسات خیریه جهانی را متوجه حال زار زنان محروم و مظلوم هرات و قیود غیر انسانی اسماعیل خان والی سابق آن ولایت مینماید. به تائید از راپور های مؤسسات حقوق بشر، حتی کارتون های اسماعیل خان با ماسک بن لادن، در مطبوعات داخل و خارج افغانستان به نشر رسید.

واضح و مبرهن است که خودسوزی های غم انگیز زنان هرات که از فشار خانواده ها و پشتیبانی و عدم توجه مقامات حکومتی صورت میگیرد، از زمان استبداد "امیر" هرات آغاز یافت. گرچه تعداد خودسوزی این بخت برگشتگان تقلیل یافته است، ولی بحیث یک رسم وحشتناک اجتماعی هنوز جریان دارد.

اسماعیل خان بعد از انحصار عایدات سرشار گمرکی و خودمختاری سوا از حکومت مرکزی کابل، قبل از جدایی هرات از پیکر افغانستان جنگ زده، با مقاومت گروه های متخاصم از سمت شمال هرات مواجه گردیده و با شکست و احضار وی به کابل معضله رویای خودمختاری هرات و امارت احتمالی آن ظاهراً با نام پوشالی امیر یکجا نقش بر آب گردید. گرچه گاهی امیر به مسافرت هرات میروید و اگر تغییری در نقشه و پلان وی در شهر صورت گرفته باشد اقدام و اعتراض جدی مینماید، چنانچه در پروژه سرک سازی داخل شهر که گویا ساختمانی را تخریب مینمودند، به اطلاع منابع خبری بین المللی، کار به لت و کوب کارگران مزدور و بیگانه از طرف والی سابق کشید.

در کابل با انتخاب نامناسب حامد کرزی، امیر سابق به عوض مثلاً وزارت اوقاف به وزارت انرژی و برق منسوب گردید.... درین انتخاب خنده آور به همت جناب امیر اسماعیل خان، شهر نیمه تارک کابل به یگانه پایتخت تاریک دنیا مبدل و ملقب گردیده به تاریکی مطلق فرو رفت.

وزیر انرژی و برق بعد از اشغال کرسی اعلام نمود که در ظرف چهل روز(?) پایتخت را چراغان نموده و به معضله وخیم برق پایان میدهد.... زهی خوشباوری کودکان مردم بینوا باور نمودند که امیر صاحب یکشبه ره صد ساله می‌رود.

باری امیر مذکور با آوردن جنریتر های برق کهنه و نامناسب از دوستان ایرانی، پروژه ناکام مشکل حیاتی برق کابل را وخیمتر ساخت تا حدی که چند ماه قبل بی بی سی و تلوزیون آریانا خبر نبودن برق میدان هوایی کابل را منتشر ساختند و موجبات تآثر و تعجب همگانی را سبب گردید.

حال در شهر کابل صرف از طرف شب برق نوبتی جریان دارد. آنانی که توان داشتن جنریتر برق را دارند هم چنان بخاطر قیمت گزاف، صرف برای ضرورت از آن چند ساعتی کار میگیرند. عملاً شهر کابل، پایتخت افغانستان به تاریک خانه ای شباهت دارد که در قرن ۲۱ بعد از سپری گشتن پنج سال هنوز به ضرورت اولیه جریان برق دست نیافته است. کسی نیست که بپرسد که با اینهمه کمک های جامعه بین المللی و امکانات تولید انرژی برق به طرق گوناگون، چرا امیر اسماعیل خان تا بحال کاری انجام نداده است.

اینکه جناب امیر صاحب از ناکامی و کرزی صاحب از انتخاب غلط عبرت نمیگیرند و اولی استعفاء نمی نماید و دومی به خدمت او ادامه میدهد، قصه ایست مانند داستان های مشابه آن.... جوابی نمیتوان برای آن سراغ نمود، فقط درین میانه مردم پایتخت به مشکل عظیم بی برقی هنوز که هنوز است دست و پا میزنند.... گاهی می‌شنویم که برق از آسیای مرکزی قرار داد شده است گاهی می‌شنویم که آن برق هم گران بوده و بعد فاصله آنرا نا ممکن میسازد.

در زمینه به قسمتی از مصاحبه خبر نگار تلوزیون آریانا، آقای محمد نصیر فیاض با انجنیر یوسفزی رئیس برق کابل در پروگرامی تحت عنوان "دیدگاه" که هفته گذشته از کابل پخش گردید توجه نمایند:

خبر نگار آقای فیاض شکایت داشت که از مدت بسیار مدیدی که وی می‌خواهد برای تلوزیون آریانا راپوری در مورد معضله وخیم بی برقی پایتخت تهیه نماید، اسماعیل خان حاضر به پذیرفتن وی و مصاحبه نمیگردد. وی همچنان اضافه نمود که ده بار جلو موتر وزیر صاحب انرژی و برق را گرفته است، ولی وزیر صاحب حاضر به کلمه ای صحبت با وی نگردیده است. رئیس برق کابل ادعاء نمود که اسماعیل خان در نظر دارد که بزودی(!؟) منابع آبی(?)

و حرارتی سراغ گردیده و حتی در زمینه قرارداد های تورید(!) برق از ممالك همسایه به امضاء رسیده است. البته دلایل و وعده قاطع و منطقی از جناب رئیس برق کابل شنیده نشد بلکه در عوض آقای فیاض، خبر نگار تلوزیون آریانا را متهم نمود که به وزیر صاحب عریضه درخواست امتیاز برق ۲۴ ساعته را برای منزل شخصی خود داده است و چون مقام وزارت نپذیرفته است، وی بر ضد وزیر صاحب تبلیغات "منفی" مینماید.

فیاض در جواب گفت که وی میخواهد به مردم شهر کابل بگوید که چرا مقام وزارت برای عده ای از آشنایان و قدرتمندان برق ۲۴ ساعته منظور مینماید، درحالیکه اکثریت در تاریکی مطلق بسر برده و حتی در دو شب به چند ساعت برق دسترس دارند. وی همچنان گفت که وزیر صاحب یا رئیس برق میتوانند عریضه ادعاء شده خویش را به معرض دید بینندگان تلویزیون آریانا بگذارند، تا ثابت گردد که حق به جانب که میباشد.

حال معلوم نیست با پروگرام (نظر بندی) اسماعیل خان در پایتخت و سپردن مسئولیت مسلکی پروژه کاملاً ناکام برق افغانستان به وی، مردم بی وسیله و محروم مملکت تا چه مدت از انرژی برق محروم و بی نصیب خواهند ماند. هفته نامه امید نوشته بود که اسماعیل خان از محبوبیت خاصی در بین مردم برخوردار میباشد، شاید این محبوبیت به دلیل تشریحاتی باشد که در بالا ذکر گردید به گفته ربانی کارها را به مجاهدین(?) باید سپرد تا اوضاع نابسامان وطن روبراه!" گردد.